

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۰۵ مارچ ۲۰۱۷

نشخوار ادعای CIA به ارتباط "حدخا"

۲

در قسمت اول این مختصر طبق تعریفی که از ایمان داشتیم، مشخص ساختیم که به اصطلاح "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" - حدخا- چه از موضع حزبی و چه هم هیچ یک از افراد و اعضای آنها از موضع فردی نه تنها در حیات شان ادعای مارکسیست بودن را نکرده اند، بلکه اموات شان را با "الله" و "بسم الله" به خاک سپرده حتما بر سنگ قبر اکثر آنها، آیات قرآن حک شده است و در آن میان از چشم‌دید رفیق "بابک آزاد" در قبرستان لندن مثالی داده شده بود. اینک قبل از آن که بحث ما را به همان روالی که قرار است ادامه یابد، پی گیریم، جا دارد از همکار عزیز ما آقای "احمد پوپل" و استاد سخن آقای دیپلوم انجنیر "خلیل الله معروفی" یک تن از متصدیان پورتال، که هریک از منظر جداگانه ای قولم را تصدیق نموده، به رؤیت سنگ قبر دو نفر، فرق میان مزدوران روس و کمونیست های واقعی را مستند ساخته اند، سپاس و امتنانم را خدمت ایشان تقدیم بدارم.

نوشتیم که از همان دید مذهبی، وقتی کسی متصف به داشتن این و یا آن اعتقاد می گردد، جهت تثبیت صحت و سقم چنان ادعائی سه معیار وجود دارد: اقرار به زبان، تصدیق قلبی و اعمال صالحه. با در نظر داشت آن که در قسمت اول به مسأله اقرار زبانی "حدخا" نظر افگندیم و چیزی به نام تصدیق قلبی هم برای ما به جز تبارز اعمال فرد نمی تواند در بستر دیگری ظهور نماید، در این قسمت نوشته می پردازیم به اعمال صالحه:

با در نظر داشت این که چیزی به نام "اعمال صالحه" به مفهوم مجرد و مستقل از مکتب فکری و ارزشهای اجتماعی منبعث از همان مکتب فکری عمل کننده نمی تواند وجود داشته باشد، مسلم است که وقتی ما از عمل نیک این و یا آن فرد صحبت به عمل می آوریم، سنجه و معیار ما جهت ارزشیابی آن اعمال، می تواند همان ارزشهایی باشد که از طرف آن مکتب به رسمیت شناخته شده است. به صورت مثال وقتی در دیانت اسلام پای "عمل نیک" مطرح می گردد، هیچ فردی که حد اقل شناخت از مبانی دیانت اسلام داشته باشد، نمی تواند صدور اعمال و قضاوت در مورد نیکی و بدی و پاداش اخروی آن را، جدا از اعتقادات اساسی فاعل امر نیک بررسی نماید. به عبارت ساده تر، عملی مورد پذیرش قرار گرفته و به مثابه عمل نیک شانس اجر اخروی را نوید می دهد که در اساس و قبل از صدور آن عمل، فاعل به پنج بنای مسلمانی معتقد باشد، یعنی عملی می تواند عمل نیک تلقی گردد، که بر محوریت پنج بنای مسلمانی بروز یافته باشد- بحث در مورد چرائی و یا صحت و سقم چنین حکمی از بحث کنونی ما خارج است.

با حرکت از همین منظر، وقتی می‌خواهیم راجع به عملکرد یک نیروی مارکسیستی، یک نیروئی که ادعای کمونیزم را می‌نماید، بحث نماییم باید از آغاز بدانیم که از منظر چنان نیروئی، به هیچ صورتی اصل محوریت "الهی" وجود ندارد تا کسی بیاید و بنویسد:

"خدایا چنان کن که پایان کار تو خوشنود باشی و ما رستگار"

خلاف چنین طرز دیدی برای یک کمونیست، همه چیز در چند نکته خلاصه می‌شود: خدمت به خلق‌ها- خلق خودش و سایر خلق‌ها-، ترقی و شگوفائی کشور‌ها- بازهم کشور خودش و سایر کشور‌ها-، حفظ صلح در عرصه کشور و جهانی و جلوگیری از جنگ، احساس مسؤلیت در قبال حفظ محیط زیست و تضمین بقای حیات از آن منظر. خوانندگان نهایت عزیز!

به منظور آن که بتوانیم عملکرد "حدخا" را در همین چوکات بررسی نمائیم، به اجازه شما نمونه‌های بروز چنین عملکردی را از یک جمع مارکسیست، از نخستین انقلابی که داعیان و راهیان صادق مارکس توانستند بر مبنای اندیشه‌های انسانی مارکس نظام کهن را نابود و نظام جدید ملهم از نظرات مارکس را در جامعه تطبیق نمایند، یعنی از انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ و آنچه را کمونیست‌های روس تحت قیادت لنین و ستالین زیر نام عمل نیک خدمت به خلق انجام دادند، نقطه‌گذاری می‌نمائیم. اما قبل از هر آغازی باید بر دو نکته تأکید بورزم: یکی آن که در این بررسی عملکرد زمانی کمونیست‌ها در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، فقط الی مقاطع ۱۹۳۹ آغاز جنگ جهانی دوم و ۱۹۵۳ یعنی مرگ ستالین، مطرح بحث قرار می‌گیرد، این که بعد تر در آن کشور سرمایه‌داری احیاء شده و به جای سوسیالیزم، سرمایه‌داری انحصاری دولتی حاکمیت یافته، در تکامل خود به سوسیال امپریالیزم مصدر چه اعمالی گردید، هیچ ربطی به مارکسیزم و کمونیزم ندارد، تا در مورد بحثی صورت گیرد. نکته دوم این که، آنچه در این عملکرد تذکار می‌یابد فقط حیثیت نقطه‌گذاری را دارد، هرگاه خوانندگان گرامی پورتال و یا هم آنهایی که می‌خواهند این عملکرد‌ها را زیر سؤال ببرند، خواسته باشند تا در مورد به تفصیل بحث صورت گیرد، می‌توانند نظرات شان را با ما در میان گذارند، تا در هر موردی به تفصیل لازم بحث صورت گیرد. و اما برای آن که بهتر فهمید چه چیزی را حزب کمونیست بلشویک روسیه به مثابه خدمت به خلق، انجام داد، اولتر از همه باید دانست که روسیه تزاری در چه موقعیتی قبل از جنگ جهانی اول قرار داشت و جنگ چه خرابیهائی را به بار آورد و کمونیست‌ها چگونه می‌بایست از آن خانه ویران، در اندک زمان ممکن قصری اعمار نمایند، که تا آن زمان تاریخ به یاد نداشت به همین منظور قلم را به "باب اوکیان" می‌دهیم تا آنچه را راجع به روسیه قبل از انقلاب می‌بایست فهمید، خواند:

"اما برای تشخیص این که واقعاً چه چیزی تکمیل‌کننده فجایع ناشی از جنگ جهانی اول بود، لازمست بدانیم خود جامعه روسیه بر پایه چه فجایعی سازمان یافته بود. کشور روسیه به نسبت دیگر کشور‌های اروپائی بسیار عقب مانده بود؛ صنعت رشد ناچیزی کرده بود. چهل درصد سرمایه‌گذاری‌ها متعلق به خارجی‌ها بود. در آمد سرانه ملی نسبت به امریکای آن زمان ۸ تا ۱۰ بار کمتر بود. حدود هشتاد درصد از جمعیت ۱۵۰ میلیونی روسیه در روستاها زندگی می‌کردند و اسیر روابط ماقبل سرمایه‌داری (ارباب و رعیتی) بودند. دهقانان عمدتاً از خیش استفاده می‌کردند. ۶۰ درصد زمین‌های تحت اجاره دهقانان، متعلق به ملاکان بزرگ بود. هر ملاک بزرگ تقریباً ۳۰۰ برابر خانوار دهقانی زمین داشت. ۳۰ هزار ملاک همان قدر زمین داشتند که ده میلیون خانوار دهقانی. هنوز بخش مهمی از دهقانان وابسته به زمین بودند و همراه با قبایله زمین خرید و فروش می‌شدند. زندگی روزمره مردم در اسارت خرافات و مذهب بود. روستائیان زمان بذر پاشی را برحسب روزهای مقدس مذهبی تعیین می‌کردند. کتک زدن زن در میان آنان امری معمول بود. تا سال ۱۹۰۳ تنبیه بدنی مردم کارکن امری متداول بود. هر چند میزان باسوادگی طی سال‌های آغازین

قرن بیستم در روسیه ناگهان گسترش یافت. اما تا سال ۱۸۹۷ تنها صد هزار تحصیلکرده مرد و شش هزار تحصیلکرده زن وجود داشت. در شهرها امراض فراگیری چون سل زندگی اهالی را تیره و تار کرده بود. دو میلیون کارگر صنعتی که بسیاری به تازگی از روستاها کنده شده بودند با کمترین دستمزد (پس از کسر جریمه های زیاد) و در بدترین شرایط در دخمه های تنگ و تاریک ۱۲ - ۱۰ نفره زندگی می کردند.

جامعه تحت حاکمیت رژیم به شدت خودکامه قرار داشت که برای حکومت از یک شبکه گسترده پولیسی و زندان و جاسوسی استفاده می کرد. زبان و فرهنگ اقلیت ها سرکوب می شد. روسیه زندان ملل بود. اقلیتهای مذهبی مانند یهودیان و ملل تحت ستم (ملل غیر روس مانند گرجی، ترکمن، ارمنی، آذری و ...) از هیچ حقی برخوردار نبودند. کارکنان ادارات این مناطق از مأموران روس تشکیل می شد و آموزش به زبان مادری ممنوع بود. هر از چندگاهی در گوشه و کنار کشور یهود کشتی و قوم کشتی به راه می افتاد. تنها ۶۵۰ ماده قانونی رسمی علیه یهودیان موجود بود. -

گذشته و آینده کمونیسم در پرتو سنتز نوین - انقلاب اکتوبر

با در نظر داشت چنان اوضاعی که جنگ خانمانسوز جهانی به ده ها بار بر حدت و شدت آن افزوده بود، خدمت به خلق می بایست از اینجا آغاز و ادامه می یافت:

- نخستین عمل نیک کمونیست ها در شب فردای پیروزی انقلاب متحقق ساختن یکی از دیرینه ترین خواست جوامع انسانی که بر پرچم آن خون هزاران سپارتاکوس و میلیونها برده دیگر نقش بسته بود، یعنی آزادی انسان از قید و بند مناسبات جابرانه طبقاتی با لغو "سرواژ" و انسان در بند دیروز را در تحت شعار "تمام قدرت به دست شورا ها"، حاکم بر سرنوشت خودش ساختن بود.

- با سپردن قدرت به دست شورا ها در اقصا نقاط کشور و معرفی طرز جدیدی از حاکمیت، یعنی حاکمیت شورائی، دولت را که تا آن زمان ابزاری بود در دست طبقات حاکم و استثمار گر، از اساس واژگون نموده آن را به ابزاری مبدل نمود که در خدمت خلق قرار داشته باشد.

- با تکیه بر توده های میلیونی کارگر و دهقان، قلمرو امپراتوری روسیه تزاری را که تا آنزمان به زندان ملل موسوم شده بود، از طریق ایجاد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، به چنان کشوری مبدل ساخت که در آن اتحاد بین اقوام و ملیت های مختلف در چنان حدی از قوام و پختگی رشد نمود، که همه کس خود را "خلق شوروی" بدانند و دیگر چیزی به نام علایق ملیتی و قومی نتواند مانع همبستگی عمیق بین آنها بگردد.

- بیکاری را که مهیب ترین مرض جوامع طبقاتی به خصوص نظامهای فئودالی و سرمایه داری می باشد، در جریان ۱۲ سال یعنی الی ۱۹۲۹، به صورت کامل از میان برداشته، در درازنای تاریخ به مثابه یک کشور، اولین کشور شناخته شد که بر آن معضل غلبه نموده است.

- در کنار از بین بردن بیکاری، کار را به مثابه حق قانونی افراد آماده به کار دانسته، ضمن آن که خلق، یافتن و گماشتن افراد به کار را از وظایف دولت اعلام داشت، به هیچ نهاد و یا مؤسسه ای این حق را قایل نشد تا بتواند بدون مشوره با شخص کارگر و شورای مربوطه، کسی را از کار اخراج نماید.

- روز هشت ساعت کار در پنج روز هفته، با در نظر داشت تفریحات با معاش سالانه

- از بین بردن کامل بیسوادی

- حل معضل بی خانگی با اعمار صد ها هزار باب منزل رهاشی با کمترین هزینه - ۳ در صد عاید-

- حل مناسبات ارضی به سود دهقانان بی زمین و کم زمین با سلب مالکیت از زمینداران بزرگ

- رشد و انکشاف زراعت میکانیزه در حدی که شوروی در ختم جنگ قادر به صدور غله به کشور های دیگر گردید

- لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید

- تأسیس و رشد صنایع در تمام زمینه ها، چنانچه در ختم جنگ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دومین قدرت اقتصادی- صنعتی جهان گردید.

- انتقال برق در سراسر خاک شوروی

- احداث و تنظیم درست خطوط مواصلاتی همگانی

- مجانی ساختن تحصیل از کودکستان الی درجات اکادمیک

- ایجاد مراکز تعلیمات عالی در سراسر کشور چنانچه الی سال ۱۹۲۹، بیش از ۶۰۰ مرکز تعلیمات عالی ایجاد شد

- مجانی ساختن تمام مراحل طبی و بهداشتی از کلینیک های ابتدائی گرفته تا پیشرفته ترین بیمارستان ها

- با ازمیان برداشتن معضل بیکاری و ضربت زدن به ساختار طبقاتی دیروز، تکدی و فرهنگ آن را به صورت مطلق از میان برداشت

- خشکانیدن ریشه های تمام مفاسد اجتماعی از قمار و اعتیاد گرفته تا فحشاء و انواع تن فروشی

- برای اولین بار در طول تاریخ بشریت، تأمین حقوق مساوی بین زن و مرد که شامل تمام آزادیهای دموکراتیک زنها و معاش مساوی با مرد برای کار مساوی

- به رسمیت شناختن حق سقط جنین برای زنها و زن را مالک جسم خودش دانستن

- به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملل الی جدائی کامل آنها

- آزاد اعلام داشتن تمام مستعمرات روسیه تزاری و لغو تمام قرارداد های اسارت آور روسیه تزاری با کشور های دور و نزدیک

- حمایت قاطع از تمام جنبش های آزادیبخش ملی و کارگری در اقصا نقاط جهان از اسپانیه گرفته تا چین و از قاره آفریقا الی نیم قاره امریکای لاتین و هندوستان

- پروردن ده ها هزار تحصیلکرده از تمام کشور های جهان از تمام قاره های آفریقا، آسیا و امریکای لاتین

- تسخیر فضای کیهانی با اعزام گاگارین و به تعقیب آن اعزام اولین زن به فضاء

- با ساختن بمب اتم و خاتمه دادن به یکه تازی امریکا در آن زمینه در عمل با حاکم ساختن معادله "تعادل ترس" جلوگیری از بروز جنگی جهانی دیگری

- و

خوانندگان نهایت عزیز!

حال از تمام آن "حضرات"ی که می خواهند با هزار من سرش جنایتکاران "حدخا" را با مارکسیزم و کمونیزم پیوند دهند، می شود مشترکاً پرسیم که آنها کدام یک از اعمال نامبرده را از "حدخا" دیده اند که بر مبنای آن به خود حق می دهند، تا آن مشیت مزدور و دشمن خلق افغانستان را که به جای خانه، گورستان و به جای لباس کفن و به جای غذا گلوله را به مردم افغانستان ارزانی داشتند، مارکسیست و کمونیست بنامند.

من در اینجا مختصری از کوه خدمات دولت شورا ها را برای خلق شوروی و خلقهای جهان مثال دادم، آنهایی که با سماجت کودکانه می خواهند، بر همه بقبولانند که گویا "حدخا" مارکسیست و کمونیست بوده، لطف نموده حال که در ارائه اقرار از زبان آنها ناتوانند، حد اقل چند نمونه از عملکرد آنها را بیان نمایند که شباهتی با آنچه سایر کمونیستها انجام داده اند داشته باشد

ادامه دارد